

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۰۵ نومبر ۲۰۱۴

قابل توجه «کلکانی» های دولتی، حکومتی، انجونیست

و بوت پاکان شورای نظار!

بعد از شکست مفتضحانه و تاریخی روسها و نوکران بومی شان، به دستان توانای مردم پا برهنه و فقیر افغانستان و جلوس حرامزادگان و زنازادگان جهادی براریکه قدرت سیاسی و در رأس آنان «شورای نظار»، از ۱۹۹۶-۱۹۹۲ میلادی و فرار خاینانه و بز دلانه «شورای نظار»، از ترس «طالبان»، در ۱۹۹۶ میلادی و ایجاد امارت اسلامی و حکومت مطلقه و دیکتاتوری «طالبان» و بالاخره تجاوز امپریالیسم جهانی بر حریم مقدس کشور مان، انقیاد طالبان و خاینان ملی، بعد از ضربت وارد نمودن هائی پیاپی بر پیکر زخمی (سازمان آزادیبخش مردم افغانستان-ساما) و تسلیم شدن به روسها و نوکران داخلی شان، بعداً من حیث مداحان بی ارزش، در خدمت رژیم هائی ضد ملی، قرون وسطائی و منفور جهادی و طالبی قرار گرفتند. بعد از تجاوز امپریالیسم جهانی، گله وار به آستانبوسی امپریالیست ها شتافتند و به حضور اربابان جدید خود شرفیاب شدند، به خاک افتادند، و زمین ادب بوسیدند و آنگاه به پاس قدردانی از باداران جدید و قبول نوکری و مزدوری، برای خدمت به منافع آنان، در دولت و حکومت دستنشانده و مؤسسات (انجو)، حتا در اداره به اصطلاح امنیت ملی، به کار گماریده شدند. این سگان تربیت شده، به پاس جاسوسی ها و وطنفروشی های شان که بی تردید خیانت و بی حرمتی آشکار به همه قطرات خون به زمین ریخته شده از ادیخواهان و انقلابیون سامائی می باشد، جوائز خوش خدمتی خویش را از اربابان خارجی شان دریافت می نمایند. هم اکنون این روسپیان سیاسی، به مثابه داغ هائی ننگ بر جبین انسانیت، با افکار محلیگرایی و جدائی طلبانه شان، به آتش افروخته شده اختلافات و مسائل قومی و زبانی و هیزم خشک می ریزند و دامن می زنند تا با این عملکرد ضد ملی، به زندگی طفیلی شان ادامه دهند و بقای سیاسی و اجتماعی را تمدید سازند!

خیانت به یک کشور باستانی و جنایت در حق یک ملت درد دیده و داغ دیده، نیاز به کدام سرمایه گذاری خاصی ندارد و یا به دانش ویژه ای مرتبط نیست. تنها سرمایه لازمه آن، بی شرافتی، بی وجدانی، بی ناموسی، و نهایتاً روسپی گری و هرجائی بودن است و نیازی به تحصیل و مهارت خاصی ندارد. یک وطن فروش بی مایه، همیشه آماده معامله گری می باشد و به خاطر پول، شهرت و قدرت، اگر لازم شود، زن، دختر، خواهر، و یا مادر خود را نیز به آسانی، به آرامی، و بسیار ارزان می فروشد.

از صدراعظم «انگلستان»، «چرچیل»، سؤال می شود که، چگونه «انگلستان» یک جزیره این چنین کوچک توانسته است، آن همه کشورهای مختلف در جهان را به زیر سلطه و یوغ استعماری خود در آورد؟. «چرچیل»، در پاسخ گفت: "ما کشورهای را مستعمره خود ساختیم که شماری از مردم آن خاین و مزدور، و اکثریت نادان و بی خرد بودند".

در برهه کنونی سخن «چرچیل»، در مورد کشور و جامعه ما صدق می کند، زیرا کشور در اشغال استعمار است و مردم ما شدیداً استثمار گردیده و از نعمت داشتن جوهر و گهر سواد محروم نگهداشته شده اند و بر همین مبنای شماری مزدور و گروه بی شماری نادان و بی فرهنگ؛ بر مقدرات میهنی و ملی ما حاکم و معامله گری می نمایند.

«محمد اجمل دانش» (اجمل دانش کلکانی)، دارای دو صفحه فیسبوک می باشد. در یکی از صفحات فیسبوکش، تحت اسم «اجمل دانش کلکانی»، از دزد سر گردنه، بی سواد جاهل و حامل سیاست های انگلیس، «حبیب الله کلکانی»، مشهور به بچه سقا(سقاو-سقاو)، که با سقوط دولت مترقی «امانی»، افغانستان را ۱۴۰۰ سال به عقب راند و با این عمل خاینانه اش، شرم تاریخ را همراه با خود به قبرش برد و داغ ننگ ابدی خیانت را بر جبینش حک ساخت ؛ به حیث قهرمان ملی و.....به تمجید ، ستایش و نوازش پرداخته و این نماد جهل و جهالت، تاریکی و نادانی را درجه پیغمبری و خدائی اعطاء فرموده است. در جهت تأیید لاطانات، جفنگسرای، چرند گوئی، اراجیف و جعل عامدانه تاریخ و نفی واقعیت های عینی جامعه توسط این مسخره و مداری لولو، «سازمان جوانان کلکان» که با عکس ابر مرد دوران **مجید کبیر** و دیگر جانبختگان(ساما)، صفحه اول فیسبوکش را مزین ساخته است و از اسم و عکس آن قهرمان، سوءاستفاده می نمایند و همچنان عده ای از انقیاد طلبان سامائی که حالا درفش سیاه سکتاریسم را با خویش حمل می دارند، گستاخانه هورا کنان مورد پشتیبانی قرار داده اند. ناگفته نماند که «سازمان جوانان کلکان» توسط «داوود کلکانی»، یکتن از قومندان های جلااد حزب اسلامی «گلبدین» که دستان کثیفش به خون چندین تن از چریک های سامائی و ده ها تن از مردم محل سرخ می باشد رهبری و تمویل می گردد. به عکس این خردجالان و بی خردان، عامل و دستپرورده استعمار انگلیس و حامل سیاست های انگلیس، «نادر» غدار را سرزنش نموده و مورد شامت، قهر و غصب قرار می دهند. آیا این شیدان، محلیگراها، انقیاد طلبان، نوکران امپریالیسم و مجاوران قبر گوه در گور، «احمدشاه مسعود»، جاسوس و وطنفروش، تا به حال ملتفت نشده اند که، دزدی از کلکان ، «حبیب الله» مشهور به بچه سقا(سقاو) ، و «نادر» غدار، هر دو فرمانبرداران و اجیران، استعمار کهن بودند و برای منافع «انگلیس»، خدمت می نمودند؟ این بدانتش پشتون ستیزی و بی حرمتی به توده های پشتون می باشد. عقل نباشد، جان در عذاب است!

«اجمل دانش کلکانی»، در پهلوی دیگر اخذ دیپلوم ها و ماستری ها خودش را «انجینر» محمد اجمل دانش «کلکانی» فرزند «عبدالستار کلکانی»، فارغ التحصیل «دانشگاه» مرکزی کابل و نامزد سومین دوره «انتخابات پارلمانی» سال ۱۳۹۴ خورشیدی و یک شخص مسلمان و معتقد به دین اسلام معرفی داشته و مدعی شده است که در پست های مهمی نیز ایفای وظیفه می کند. این مسلمان «صادق»، در پهلوی «حبیب الله کلکانی» ، «احمد شاه مسعود» جنایتکار و خاین ملی و «عبدالله عبدالله»، جنایتکار و خاین ملی را پیغمبر گونه می ستاید، پرستش می کند و خاک قبر کثیف «مسعود» جلااد و خاک قدم های «عبدالله عبدالله»، بی ناموس، را تبرک پنداشته سرمه چشمانش نموده و در طاقچه منزلش با حرمت نگهداشته است. «انجینر» محمد اجمل دانش «کلکانی» و دیگر هم کلاشان و هم قماشانش، خیلی جاهلانه و گستاخانه، عکس های کثیف مسعود و بچه سقا را در کنار عکس پر از صلابت اسطوره نامور و رهبر گرمی (سازمان آزادیبخش مردم افغانستان-ساما)، ابر مرد بی بدیل، قهرمان ملی و رهبر آزادگان، زنده و جاوید «مجید کلکانی»، قرار داده اند و در جهت اغراض شوم سیاسی و ملیتی شان، خاینانه و بی شرفانه، استفاده می نمایند. آیا این متحجران و پتیاره های چند رنگ، تا به حال متوجه نشده اند که نخست رهبران انقلابی (ساما)، زنده یادان «پروفیسر قیوم رهبر» و بزرگمرد بی همتائی تاریخ رزم و حماسه میهن، «مجید کلکانی»، معتقد به اندیشه و تئوری مارکسیسم-

لننیزم- اندیشهٔ مائو تسه دون بودند و اهداف مبارزاتی شان، پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین، ایجاد جامعهٔ سوسیالیستی و گذار از آن به کمونیسم بود؟ دوم، آیا پیروان جاهل و نکبت «حبيب الله کلکانی» و «احمد شاه مسعود»، تا به حال واقف نیستند که رهبران جانباخته و فراموش ناشدنی (ساما)، «رهبر» و «کلکانی»، متعلق به تبار «بارکزائی» و کندهاری اصیل بودند؟ قرار راپور ها و اسناد و شواهد، در دستگیری مجید قهرمان، مسعود جلا دست داشته، زیرا مسعود بز، یک روز قبل از دستگیری رهبر آزادگان، مجید قهرمان با «حاجی سخی» ملاقات داشته است!

جالب و خنده آور است که، این دلچک های روزگاران، اسم های جاودانی اسطوره هائی تاریخ رزم و حماسه و قهرمانان جنگ ضد انگلیسی هم چو زنده یادان «میر بچه خان کوهدامنی» و «میر مسجدی خان کهدامنی»، را نیز در انحصار شان گرفته اند و مذبوحانه در جهت اهداف مغرضانهٔ سیاسی و قومی شان؛ بدون ذره ای شرم و حیاء، استفاده می کنند. اگر تخلص آن راد مردان زنجیر شکن، «کلکانی»، می بود، مطمئن و متیقن بودم که آواز این قومپرستان و ایرانی پرستان تا اورانوس و پلوتو نیز می رسید. فکر کنم که، اشتیاق سوزان و آرزومندی قلبی محلی گرایان کلکانی و مقلدین واژه های ایرانی به سکتاریسم، مسائل زبانی و ملیتی، در تار و پود وجود همهٔ شان رخنه کرده است و بدان دلیل بی صبرانه در راه «کلکانیزم»، گام برداشته و می اندیشند و فردا اگر هم فرصت مناسبی به دست آرند، این علاقه داری کوچک را که مردم آن رنج را از عملکرد «داوود ها، شوکی ها، سید کبیر ها و ...» متحمل شده اند، در رقابت افسار گسیخته با پنجشیریه و لایت تبدیل و اگر ضرورت شود، خود مختارش می سازند !!

«محمد اجمل دانش کلکانی» اسمش مثل «دیپلوم» ها و «ماستری» هایش خیلی دور و دراز است و برای انتقال شان یک «کراچی» لازم دارد. وی در فیسبوکش تأکید داشته است که، پسر «عبدالستار کلکانی»، می باشد و خاطر نشان نساخته است که کدام «ستار کلکانی»؟ اگر منظورش از زنده یاد معلم صاحب «عبدالستار کلکانی»، باشد که نیست، تا جائی که من شناخت دارم از وی سه دختر و یک پسر باقیمانده که اکنون داکتر و در المان ایفای وظیفه می نماید، امیدوارم اجمل خان از آن دزدانی نباشد که به خاطر استفاده از یک شهرت نیک، مادرش را زیر پای فرد دیگری می اندازند، چون چنین اتهامی به زنده یاد «ستار خان» نمی چسبید.

«اجمل کلکانی»، «نابغه» ای که صفحات فیسبوکش را از تعریف و توصیف جناب مجنون خودش، پر ساخته است، بدون شک که این نوع ستائی ها از عقده های حقارت سرچشمه می گیرد. وی با گستاخی تمام، احمقانه و کودنانه به شخصیت سردار و محصل استقلال و استراد کشور، امان الله خان کبیر، توهین و اهانت روا داشته و هر چه کثافت و چتلی که از دهن نجشش بیرون شده است با عقده های ناشی از حس حقارت، نثار یگانه شاه مترقی و سیکولار در تاریخ افغانستان نموده است و به عکس از بی سواد جاهل و دزد بی شخصیت، بچهٔ سقاء(سقو) و قاتل ۷۵۰۰۰ کابلی و ویران کنندهٔ کابلستان، سر دستهٔ اخوانی هائی نادان و جنایتکار، «مسعود» جاسوس، و همچنان از قاتل، خاین و وطنفروشی به نام «حاجی رشید کلکانی» به تعریف پرداخته و این ناخلفان، جاسوسان و نوکران استعمار را قهرمانان ملی؛ نامیده است شرم به این چوکره «عبدالله عبدالله»

اگر محلیگرا های «کلکان»، برنامهٔ (ساما) را مطالعه نمائید، ابر مرد تاریخ معاصر کشور، «مجید» قهرمان، شخصیت امان الله و خدمات میهنی و فناپذیرش را ستوده و ستایش نموده است. **مجید کبیر**، در هیچ یک از نوشته هایش از «حبيب الله کلکانی»، اصلاً یادی هم نکرده است چه رسد به تعریف و تمجید. در هیچ یک از نوشته ها و آثار سردار آزادگان، رهبر شایستهٔ (ساما)، دانشگاه، دانشکده و دیگر لغات اختراع شده در زراد خانهٔ ناسیونالیسم منحط ایرانی که هیچ گونه کار برد تاریخی نداشته، استفاده نکرده است. رهبران برجسته، جانباخته و فراموش ناپذیر سازمان زبده، طراز نوین و پیشتاز (ساما)، «رهبر» و «کلکانی»، هیچ گاهی مدعی نشده و نگفته اند که بارکزائی و کندهاری هستند زیرا اندیشهٔ آن شخصیت های نستوه، فرهیخته، مدبر، انقلابی و برانندهٔ تاریخ، فرامییتی و فراقومی بوده و تمام

ساکنان افغانستان را تحت نام (افغان) حرمت می گذاشتند و می شناختند و با نام (افغان) و برای آزادی کشور محبوب و دوست داشتنی شان، افغانستان، جانبختند و جاودانه گشتند.

برای آنکه افرادی از «کلکان»، که به راه و رسم رهبران جانبخته و محبوب (ساما)، «رهبر» و «کلکانی»، پشت نموده اند و شرافت و حیثیت شان را در پای غلام بچه «مسعود» و «شورای نظر»، ریخته و در گرو زر و سیم گذاشته اند و امروز به پادو ها، مداحان و چاپلوسان شرفباخته و وطنفروشی از قماش «عبدالله عبدالله»، مبدل شده اند و برای تجزیه افغانستان جان می کنند؛ صریحاً هوشدار می دهیم که از اسم های غرور آفرین و افتخار آفرین رهبران بزرگ و کبیر (ساما)، استفاده های سیاسی و ملیتی نکرده و اگر به چنین کار خاینانه، ردیالانه و نامردانه شان ادامه دهند، زیره و پودینه شان را افشاء و جل و پوستک شان را در پیشگاه مردم می کشیم. «رهبر» و «کلکانی»، هر دو به مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون اعتقاد راسخ داشتند و نوشته های تاریخی شان و عملکرد های قهرمانانه شان، ثبوت مدعی ما می باشد. نوشته های این دو شخصیت حماسه ساز و تاریخ ساز را در فرصت مناسب به دست نشر خواهیم سپرد تا مشت آهنین بر دهان یاهو سرایان و آنانی که می خواهند با تبلیغات زهر آگین شان مایه بدنامی این دو اسطوره انقلابی و میهنپرست را فراهم سازند؛ حواله نموده باشیم.

مبارزات ضد ارتجاعی، ضد سوسیال امپریالیستی، ضد امپریالیستی، بالاخص مبارزات انقلابی **مجید کبیر**، علیه مظالم و بی عدالتی های دولت هائی خود کامه و کمپرادور و شخصیت پر صلابت، سرکش و تسلیم ناپذیر **مجید قهرمان**، وی را در سطح کشور به شهرت بسزائی رسانید و محبوب قلب ها نمود. ابر مرد **مجید** و رفقای انقلابی ایشان بودند که، برای نخستین بار و در روز اول اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش متجاوز روسی، دستور حمله بر کاروان ارتش «سرخ»، را صادر نمودند که باعث انهدام هشت عراده تانک متجاوزین و تلفات جانی عساکر متجاوز گردید. مبارزات و حماسه های **مجید قهرمان** این شخصیت برازنده و دوست داشتنی بود که برای «کلکان» و کلکانی ها شهرت بخشید. اگر **مجید** بزرگ زنده می بود، به ضد اشغال کشور توسط امپریالیست ها، دست به سلاح می زد و از میهن و مردمش دفاع می کرد. بد بختانه همان کسانی که از نام و شهرت ملی و بین المللی (ساما) و از اسم های رهبران انقلابی (ساما)، هویت سیاسی و اعتبار برای شان کسب نموده اند امروز بر شمشیر استعمار بوسه زده اند و برای منافع امپریالیسم خدمت می کنند. این شرفباختگان مرتد و عاری از غیرت به افتخار در «انتخابات» شورا های ولایتی اشتراک می کنند و به طور عریان برای غلام بچه وطنفروش، «عبدالله عبدالله»، کمپاین تبلیغاتی نمودند و حالا پایپیگ های شان چه بی شرمانه جار می زنند که، نامزد سومین دوره «انتخابات پارلمانی» سال ۱۳۹۴ خورشیدی بوده است؟ وطنفروشی، خاکفروشی و بی ناموسی مگر شاخ می داشته باشد!

<https://www.facebook.com/ajmal.kalakani?fref=ts>

<https://www.facebook.com/abdullrashidkalakani12>